

عنوان: از قله های رفیع اندیشه تا دامنه های وسیع عمل ؛ تاملی در پیوند ناگسستنی تفکرات و عملکردهای

امام خمینی

نشریه: جمهوری اسلامی،: 21 و 85/3/22

از قله های رفیع اندیشه تا دامنه های وسیع عمل

تاملی در پیوند ناگسستنی تفکرات و عملکردهای امام خمینی

بخش اول

یکی از میراث های گرانبها و عظیمی که نظام اسلامی، رهبران، زمامداران، کارگزاران و مدیران در سطوح مختلف، و نیز مردم جامعه امروز و فردای ما و جوامع اسلامی و انسانی را در همه اعصار در مسیرهای نیل به سلامت فکری و فرهنگی و اخلاقی و تربیتی و سیاسی به حرکت و تلاش وامی دارد، اندیشه های جامع و راهگشای حضرت امام خمینی در همه ابعاد و موضوعات مرتبط با حیات سالم و پویاست.

در کنار اندیشه های ژرف و زندگی ساز حضرت امام خمینی، رفتار و روشهای عملی او به صورت پشتوانه های نیرومند و تحول آفرین، ملل مسلمان و غیرمسلمان را به سر منزل سعادت و رستگاری رهنمون می شوند و میراث های بزرگ و ارزشمند دیگری محسوب می گردند که همراه با تفکرات و اندیشه های آن پیشوای محبوب الهی راه رشد و کمال و بالندگی و پیشرفت در همه شئون و جلوه های زندگی مادی و معنوی را صاف و هموار می سازند.

اندیشه و عمل پیوند و رابطه ای همگون و ناگسستنی دارند و هرگز از یکدیگر جدا و منفک نمی باشند و به تنهایی فاقد نقش حیاتی و بنیادین و محوری در حیات پاک و سالم و عزتمند و منتهی به سعادت دنیا و رستگاری آخرت می باشند.

اهمیت اندیشه این است که عمل را می آفریند، و ارزش عمل این است که در پرتو تفکر و اندیشه سالم و تحول زا به رفع موانع و مشکلات و تولید آسایش و سعادت می پردازد. اگر بخواهیم اندیشه را در محیط ذهن به اسارت درآوریم و یا پس از حضور در سطور اوراق و صفحات نوشته ها و کتب، در همان فضا محصور و زندانی کنیم، هیچ ارزش و اهمیت و نقش سازنده ای بر آن مترتب نمی باشد و عالی ترین و پاک ترین و تحول آفرین افکار و اندیشه ها به دلیل اسارت در حصارهای ذهن و آثار مکتوب، هیچ رشد و پیشرفت و اثر سازنده و مفیدی برای جوامع انسانی به وجود نمی آورند و بود و نبود آنها با هم مساوی و برابر است!

همچنین عمل به خودی خود و مستقل از تفکر و اندیشه سالم و پویا، فاقد ارزش و اعتبار و راهگشایی و سعادت آفرینی می باشد و افراد مختلف در هر مسئولیت و حرفه و شغل، به دلیل این که عملکردهایشان از پشتوانه های مستحکم فکر و اندیشه پویا و تحول زا بی بهره است، طرح و برنامه مفید و سازنده و مدیریت موفق و روشهای کاربردی با آثار و نتایج و بازدهی های مطلوب ارائه نمی دهند و این ضعف و فتور، آفت

بزرگ هرگونه رشد و پیشرفت در ابعاد مختلف حیات فردی و اجتماعی به شمار می رود و رکود و سکون و توسعه نایافتگی به وجود می آورد. بنابراین ، اندیشه سالم و جامع و پویا ، عمل مفید و سعادت آمیز تولید می کند ، و هر عمل موفق که مولود اندیشه های مستحکم و تحول زا می باشد ، جامعه را به رشد و پیشرفت های بزرگ می رساند.

حضرت امام خمینی شخصیت بزرگ و عظیمی بود که بین اندیشه و عمل او پیوند و ارتباط متقن و مستحکمی حاکم می گشت که هرگز از هم نمی گسست و هیچ کدام به تنهایی و مستقل از یکدیگر در صحنه های مختلف حیات ظهور نمی یافتند.

اندیشه های جامع و ژرف حضرت امام خمینی در اعضا و جوارح و حرکات و سکناش تسری می یافت و به این ترتیب و با این ارتباط متقابل و همگون ، تفکرات متعالی اش در عمل به بار و ثمر می نشست و عملش همواره با اندیشه پیوند داشت و از عمق و ژرفا و جامع نگری که از شاخصه های تفکر پویا و سالم و راهگشا محسوب می شود ، برخوردار بود.

حضرت امام خمینی تمام مبانی فکری و اندیشه های ناب و زلال خویش را در سیاست ، حکومت ، اقتصاد ، فرهنگ ، هنر ، اخلاق ، تربیت ، عرفان ، مدیریت ، تقابل با استعمار خارجی و استبداد داخلی ، مبارزه با ظلم و جور و فساد ، مردم گرایی ، حمایت از محرومان و تهی دستان به حیطة عمل درآورد و به این ترتیب اسوه و الگوی کامل پیوند و انطباق اندیشه و عمل گردید.

چنانچه در برخی از ابعاد و جلوه های اندیشه و تفکر امام خمینی در سطوح مختلف و موضوعات گوناگون تامل ورزیم ، به نیکی درمی یابیم که آن پیشوای الهی در مسیر تحقق آنچه به حق می اندیشید به تلاش و مجاهده مستمر و وقفه ناپذیر می پرداخت .

1 - از دیدگاه حضرت امام خمینی مجموعه قوانین جامع و زندگی ساز اسلام برای اصلاح جامعه و فراهم کردن زمینه های رشد و پیشرفت آن در همه ابعاد ، در صورت استقرار و اجرای دقیق و همه جانبه ، سلامت و سعادت و کمال می آفرینند و به همین دلیل خداوند متعال در کنار این احکام و قوانین جامع ، قوه اجرائیه و حکومت صالح را ضروری دانسته و تشکیل آن را همچون خود قوانین ، لازم و حیاتی اعلام می نماید.1. قرار گرفتن رسول اکرم (ص) در راس تشکیلات اجرایی و تلاش همه جانبه او برای برقراری نظامات اسلامی با تاسیس دولت اسلامی ، و انتقال این مسئولیت به امیرمومنان (ع) (و دولت کریمه و عدالت پرور آن پیشوای الهی و استقرار نظام سیاسی اسلام در جامعه ، از مستندات تاریخی لزوم تشکیل حکومت اسلامی از دیدگاه ژرف حضرت امام خمینی محسوب می شود.2.

در اندیشه های امام خمینی ، ماهیت و کیفیت قوانین اسلام ، دلیل دیگری بر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی معرفی می شود ، زیرا احکام الهی حاوی مقررات و ضوابط و قوانینی است که یک نظام کلی اجتماعی را تشکیل می دهد و در این نظام همه نیازمندی های انسان در تمام ابعاد و شئون حیات مورد توجه و نظر قرار گرفته است . این احکام که در دل خود مقررات تشکیل نظام سیاسی و اجتماعی را می پرورد عبارتند از احکام مالی و اقتصادی ، احکام دفاع ملی ، احکام قضایی برای احقاق حقوق مردم ، و احکام جزایی 3.

حضرت امام خمینی این اندیشه ها را - که مبانی و اصول کلی و بنیادین تفکرات عمیق و جامع و گسترده سیاسی آن پیشوای الهی محسوب می شود - با برنامه ریزی های دقیق و مجاهدات وقفه ناپذیر به مرحله عمل درآورد و در این راه رنج وافر و مشقت و سختی های فراوان را که در متن میادین مبارزه با رژیم ستمشاهی قرار داشت پذیرا گردید.

این برنامه ریزی ها و کوشایی و مقاومت و پایداری در تقابل با استبداد داخلی و استعمار خارجی ، با پرورش مبارزان نستوه و مهره سازی سیاستمداران و مدیران کارآمد و تداوم جهاد و مبارزه وقفه ناپذیر در طول مراحل پرفراز و فرود نهضت اسلامی به تجلی درآمد.

اگر امام خمینی در گوشه ای می خزید و اندیشه های ناب سیاسی و حکومتی اش را در لابلاهای اوراق کتب محصور و پنهان می ساخت و رنج و مرارت ها و ضایعات فراوان این راه سخت و پرسنگلاخ را تاب نمی آورد ، امروز اثری از نظام جمهوری اسلامی ایران وجود نداشت .

2 - در اندیشه های امام خمینی تقابل و تعارض با ظلم و ستم در ابعاد و جلوه های گوناگون و در صحنه ها و فضاهای مختلف و چه به صورت مبارزه با استعمار خارجی و چه در قالب معارضه با استبداد داخلی برای زدودن جامعه از آثار شرک و تباهی ناشی از سیطره عوامل خارجی ، با کیفیت نیروها به ثمر و نتیجه می رسد ، نه کمیت نیروهایی که فاقد انگیزه های سالم و پاک باشند. استناد و الگوی امام خمینی در این تفکر و اندیشه ، حرکت مقدس حضرت اباعبدالله الحسین (ع) است . امام خمینی به تکیه بر این اصول که امام حسین با عده کم همه چیزش را فدای اسلام کرد ، مقابل یک امپراطوری بزرگ ایستاد و نه گفت . 4 و با توجه دقیق به این آموزه که کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا دستور است به اینکه هر روز و در هر جا باید همان نهضت را ادامه بدهید . 5 انقلاب شکوهمند اسلامی را آغاز کرد و با عده کم و امکانات ناچیز مراحل سخت و فراز و نشیب های بسیار را پشت سر گذاشت تا در نهایت با تکیه بر تفکرات ناب الهی و سرچشمه یافته از نهضت پرشور عاشورا ، حرکت پرشور خویش را به ثمر و نتیجه و پیروزی نهایی رساند.

این سخنان آگاهی بخش و اذعان و اعتراف های صریح که نهضت دوازده محرم و پانزده خرداد در مقابل کاخ ظلم شاه و اجانب به پیروی از نهضت مقدس حسینی چنان سازنده و کوبنده بود که مردانی مجاهد و فداکار تحویل جامعه داد که با تحرک و فداکاری روزگار را بر ستمکاران و خائنان سیاه نمودند . 6 و روزهایی که بر ما گذشت عاشورای مکرر بود و میدان ها و خیابان ها و کوی و برزن هایی که خون فرزندان اسلام در آن ریخت ، کربلای مکرر ، 7 و اگر عاشورا و گرمی و شور انفجاری آن نبود ، معلوم نبود چنین قیامی بدون سابقه و سازماندهی واقع شود . 8 همه نشانگر تاثیرات بزرگ حرکت مقدس حضرت امام حسین (ع) بر اندیشه های سیاسی امام خمینی و به عمل درآمدن آن با وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی می باشد.

3 - در اندیشه های امام خمینی اخلاق مدیریت از اهمیتی خاص برخوردار می باشد و مهم ترین رکن آن یعنی پرهیز از حب نفس و حرکت و تلاش مستمر برای خودسازی و تهذیب نفس همواره مورد توجه و نظر آن پیشوای الهی قرار می گرفت .

از دیدگاه امام خمینی بدون مبارزه با هواهای نفسانی و جاذبه های قدرت و مقام و شهرت و ثروت ، محال است کسی بتواند کارگزار صالح و سالم و خدمتگزار مفید و سازنده ای برای مردم جامعه باشد و با تدبیر امور مختلف و مدیریت جامع زمینه های رشد و پیشرفت و رفع مضایق و تنگناهای معیشتی را فراهم و آماده نماید . حضرت امام با این اعتقاد کامل که آفت انسان ، هوای نفس انسان است ، 9 و تمام فسادهایی که در بشریت پیدا شده است ، از اولی که بشریت تحقق پیدا کرده است تاکنون ، و تا آخر ، منشاش همین حب نفس است . 10 همه زمامداران ودولتمردان و مدیران ارشد سیاسی را به کنترل نفس و مجاهده برای پرورش و اصلاح درون دعوت می نمود .

حضرت امام خمینی با این تفکر که تا اصلاح نکنیم خودمان را ، نمی توانیم کشور خودمان را اصلاح کنیم ، 11 همه مسئولان و کارگزاران نظام اسلامی را مورد خطاب قرار می داد و می فرمود : شما خودتان را درست کنید ، کشورتان درست می شود . 12

رها کردن خودبینی و خود خواهی ، تحت تاثیر جاذبه های قدرت و ریاست و مقام قرار نگرستن و آنها را ابزار خدمت قرار دادن و نه هدف ساختن ، اسیر خوی کاخ نشینی نشدن و زرق و برق و تجمل گرایی را رها کردن ، از نزاع هایی که از حب نفس ناشی می شود و به گسترش تفرقه و تشتت و تنش های رنج آور و زیان بار می انجامد اجتناب ورزیدن ، به صداقت و خلوص گرائیدن و در مسیر جلب و خشنودی خدا به حرکت درآمدن ، و همواره خود را در محضر خدا دیدن و از این احساس به مراقبه و محاسبه نفس پرداختن ، از جمله توصیه های مکرری است که همواره حضرت امام خمینی خطاب به دولتمردان ومدیران و مسئولان کشور مطرح می کردند و خود در طول دوران حیات مبارک و مطهر خویش به آنها به شدت پایبند بوده و به اوج وارستگی و آزادگی نفس نائل آمده بودند .

پاورقی ها :

- 1- ولایت فقیه ، اثر حضرت امام خمینی ، از انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ، ص 17
- 2- همان منبع ، ص 18
- 3- همان منبع ، ص 20-24
- 4- قیام عاشورا در کلام و بیان امام خمینی ، از انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی ، ص 57
- 5- همان منبع ، ص 58
- 6- همان منبع ، ص 59
- 7- همان منبع ، ص 60
- 8- همان منبع ، ص 61
- 9- کلمات قصار ، پندها و حکمت ها ، موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی ، ص 73
- 10- همان منبع ، ص 73
- 11- همان منبع ، ص 65
- 12- همان منبع ، ص 65

اندیشه و عمل پیوند و رابطه ای همگون و ناگسستگی دارند و هرگز از یکدیگر جدا و منفک نمی باشند و به تنهایی فاقد نقش حیاتی و بنیادین و محوری در حیات پاک و سالم و عزتمند می باشند. اهمیت اندیشه این است که عمل را می آفریند و ارزش عمل این است که در پرتو تفکر و اندیشه سالم و تحول زا به رفع موانع و مشکلات و تولید آسایش و سعادت می پردازد

حضرت امام خمینی تمام مبانی فکری و اندیشه های ناب و زلال خویش در سیاست ، حکومت ، اقتصاد ، فرهنگ ، هنر ، اخلاق ، تربیت ، عرفان ، مدیریت ، تقابل با استعمار خارجی و استبداد داخلی ، مبارزه با ظلم و جور و فساد ، مردم گرایی ، و حمایت از محرومان و تهی دستان را به حیطة عمل درآورد و به این ترتیب اسوه و الگوی کامل پیوند و انطباق اندیشه و عمل گردید

اگر امام خمینی در گوشه ای می خزید و اندیشه های ناب سیاسی و حکومتی اش را در لابلای اوراق کتب محصور و پنهان می ساخت و رنج و مرارت ها و ضایعات فراوان این راه سخت و پرسنگلاخ را تاب نمی آورد ، امروز اثری از نظام جمهوری اسلامی ایران وجود نداشت

از قله های رفیع اندیشه تا دامنه های وسیع عمل

تاملی در پیوند ناگسستگی تفکرات و عملکردهای امام خمینی

بخش دوم و پایانی

4- در اندیشه و عمل سیاسی حضرت امام خمینی ساده زیستی و پرهیز از تشریفات و تجمل گرایی یک اصل مهم محسوب می شد و آن پیشوای بزرگ الهی همواره از خویش مراقبت به عمل می آورد که در کسوت رهبر و زمامدار اسلامی و در حالی که مسئولیت سخت و رنجزای هدایت و مدیریت و تدبیر امور جامعه و کشور اسلامی را بر دوش می کشید ، خویشتن را با توده های مردم جامعه از جنبه های اقتصادی و معیشتی همسطح قرار دهد.

در نظام سیاسی و حکومتی اسلام ، رهبر و زمامدار اسلامی بنا بر مقتضیات زمان و وجود مضایق و تنگناهای اقتصادی در جامعه ، نمی تواند به بهره وری وسیع از نعمت ها و امکانات پردازد و درد و رنج فقر و محرومیت را نادیده انگارد. او خود را موظف می داند که برای کاستن مشقت های روحی تهی دستان و محرومان ، به ساده زیستی گرایش یابد و از هر گونه جاذبه مادی اجتناب ورزد.

حضرت امام خمینی استناد به سیره سیاسی امیرمومنان حضرت علی (ع) می کرد و روش ساده زیستی آن پیشوای معصوم را الگوی رهبران حکومت اسلامی معاصر می دانست . این سخن حضرت امام خمینی که در حکومت اسلام ، شخص اول که خلیفه مسلمین است ، زندگی عادی در عرض فقیرترین افراد و یا پایین تر از آن است 13 و این سخن که اسلام شخص اول مملکتش با یکی از رعایا فرق نداشت بلکه پایین تر از او

بود در استفاده از مادیات 14 نشان روشنی از اتخاذ روش ساده زیستی در حکومت امیرالمومنین (ع) و تبعیت حضرت امام خمینی از این شیوه زمامداری می باشد.

حضرت امام خمینی مسئولیت حمایت عملی از محرومان و تلاش و فعالیت های مستمر برای رفع ظلم و ستم اقتصادی و استقرار عدالت اقتصادی در میان اقشار مردم جامعه را با توجه به روش زمامداری حضرت علی (ع) (به عصر حاضر تعمیم می دهد و به این سخنان عمیق و صریح و روشن امیرالمومنین (ع) نیز استناد می جوید و از لسان آن پیشوای معصوم (ع) چنین نقل می کند :

فرمایش امام (ع) (این است که : خدایا تو می دانی ما برای به دست آوردن منصب و حکومت قیام نکرده ایم ، بلکه مقصود ما نجات مظلومین از دست ستمکاران است . آنچه مرا وادار کرد که فرماندهی و حکومت بر مردم را قبول کنم این بود که خدای تبارک و تعالی از علما تعهد گرفته و آنان را موظف کرده که بر پرخوری و بهره مندی ظالمانه ستمگران و گرسنگی جانکاه ستمدیدگان سکوت نمایند یا می فرماید : خدایا ، تو خوب می دانی که آنچه از ما سرزده و انجام شده رقابت برای به دست گرفتن قدرت سیاسی یا جستجوی چیزی از تمتعات و درآمدهای زائد نبوده است . 15

حضرت امام خمینی تبعیت از سیره و روش امیرمومنان (ع) (را بر خود لازم و واجب می دانست و در طول دوران حیات پربرکت خویش - چه در نجف و چه در ایران ، چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی - در اوج ساده زیستی روزگار را سپری نمود و در خوراک و پوشاک و بهره مندی از امکانات دولتی و بیت المال مسلمین به حداقل ضروری و در پایین ترین سطح که با رفع نیاز مردم معمولی منطبق بود بسنده کرد.

حضرت امام خمینی هرگز کافی نمی دانست که تنها خود به رعایت اصل ساده زیستی و پرهیز از اشرافی گری و تجمل گرایی و اسراف موظف و عامل باشد ، بلکه از مسئولان و کارگزاران نظام اسلامی می خواست که در حدتوان خود به انجام این وظیفه اهتمام ورزند. چرا که در این صورت و با اتخاذ این شیوه و روش است که درد فقر و محرومیت احساس می شود و حمایت عملی از محرومان و فقرزدگان آغاز می گردد. حضرت امام این توجه و گرایش را همواره در گوش مسوولان و دولتمردان طنین می انداخت و آنان را به روش ساده زیستی که با رها کردن وابستگی های مادی تحقق می یابد ، اینگونه دعوت و ترغیب می نمود : این قدر دنبال این نباشید که ما خانه مان چه جور است و زندگی مان چه جور است ... دنبال آن شرافت انسانی باشید ، دنبال آن معنا باشید که شما را پیروز کرد . 16

5- حضرت امام خمینی همواره اسارت های درونی و قید و بندها و وابستگی ها و دلبستگی ها را مانع بزرگ رشد و کمال معنوی انسان از یکسو ، و بازدارنده مسئولان و کارگزاران حکومت اسلامی از ارائه خدمات بهتر و بیشتر به جامعه می دانست . صفات و حالات امام خمینی نشان می دهد که هم در اندیشه و تفکر ، و هم در سیره و عملکرد این پیشوای الهی به وضوح اجتناب از قیود و وابستگی ها مورد نظر و دقت قرار گرفته است . امام خمینی مقام و ریاست گرایی ها و قدرت طلبی ها و آفات و زیان های فراوان ناشی از آن را از مصادیق و جلوه های بارز وابستگی و دلبستگی های مذموم می دانست و به طور مکرر دولتمردان را به پرهیز از آنها دعوت و ترغیب می نمود.

حضرت امام خمینی همه را نسبت به خطرات دنیای مذموم بینش و آگاهی می داد. این دنیا در نقطه مقابل دنیای ممدوح قرار دارد که به صورت ابزار خدمت قرار دادن همه نعمت ها و بهره مندی ها و مقام و قدرت ها به بهره وری می رسد ، نه بسان دنیای مذموم که برای مشتاقان آن هدف قرار می گیرد و همه را اسیر جاذبه های خویش می کند و به معاصی و مفساد فرامی خواند.

حضرت امام خمینی حتی کوچکترین و نازل ترین توجه افراطی و هدف گرایانه به ظواهر و وسایل دنیا را مانع رشد و کمال انسان می دانست و می فرمود : دنیای مذموم همین است که انسان توجه داشته باشد ، و لو به یک تسبیح ، و لو به یک کتاب . 17

براساس این واقعیت انکار ناپذیر ، بوده اند و هستند و خواهند بود کسانی که در عین داشتن ثروت و امکانات حلال و انبوه ، وابستگی به آنها ندارند و هرگز اسیر این جاذبه ها نمی شوند و به چشم هدف به آنها نمی نگرند ، و نیز کسانی در نقطه مقابل بوده و هستند و خواهند بود که به کوچکترین وسیله همچون یک کتاب یا یک تسبیح و یا هر چیز دیگری ، وابستگی پیدا می کنند و در بندهای اسارت و درماندگی ذلیل و حقیر و خوار می گردند!

حضرت امام با همین نگرش ژرف و عمیق ، زمامداران و مسئولان را به پرهیز از مقام پرستی و گرفتار در دام های اغوا کننده هر ریاست و مقام فرا می خواند و این امور را فانی و از دست رفتنی می دانست :
هر مقامی که برای بشر حاصل می شود ، چه مقام های معنوی و چه مقام های مادی ، روزی گرفته خواهد شد ، و آن روز هم نامعلوم است . (18)

گرفته شدن و از دست دادن مقام و ریاست ها ، و نامعلوم بودن باز پس گیری ها که ممکن است بر خلاف تصور صاحبان به خواب غفلت فرو رفته این مقامات ، خیلی زود و سریع باشد و به درازا نکشد. اگر چه به هر مقدار که طولانی گردد و به درازا منتهی شود بازهم زود است و سریع و بالاخره لحظه و زمانی است که از راه می رسد و گریبان ها گرفته می شود و همه فرصت ها ربهوده می گردد - ، تازیانه بیداری بر پیکر جان و روح افرادی است که به شدت اسیر زرق و برق این امور فانی و ناپایدار و گذرنده می شوند.

حضرت امام خمینی با همین دیدگاه وسیع ، هرگونه گرایشات مبتنی بر قدرت طلبی را که بهره وری نامشروع و ضد انسانی از اهرم ها و امکانات برای رسیدن به مطامع نفسانی است ، نفی می نمود و جنگ قدرت را عملی شنیع و منحط و تباه می دانست ، چرا که از این طریق همه انرژی ها ، امکانات و ثروت های عمومی در خدمت نفسانیت های فردی و گروهی و حزبی و سیاسی در می آیند و دین و ملت و منافع عمومی ملعبه دست قدرت طلبانی قرار می گیرند که حاضرند همه چیز را برای دست یابی به منافع سیاسی و اقتصادی خویش مضمحل و نابود سازند.

حضرت امام براساس این آفات و خطرات که اسلام و جامعه اسلامی و ثروت های عمومی را در معرض خطر قرار می دهد ، به صراحت می فرمود :

قدرت طلبی از هر که باشد ، از شیطان است . (19)

و نیز غمگنانه و دردمندانه ، آن دسته از دولتمردان و کارگزارانی را که در عرصه های مختلف فعالیت های سیاسی و اجتماعی با زیرپا گذاشتن ضوابط و معیارهای تقوای سیاسی و اخلاق حکومتی ، به جنگ قدرت

اشتغال داشتند و به گونه ای در حلقه های این نفسانیت جناحی و حزبی و سیاسی گرفتار آمده بودند که سر از گریبان هوای نفس بیرون نمی آوردند و لحظه ای به اطراف خویش نمی نگرستند تا آثار زشت و زیانبار رفتار و عملکردهای ناصواب و فاسدشان را به نظاره بنشینند ، اینگونه مورد خطاب و عتاب قرار می داد :

آنها (شهیدان) جان خودشان را برای اسلام و برای مصلحت کشور اسلامی فدا می کنند ، و ما سر خون آنها این جا بنشینیم و با هم جنگ و ستیز کنیم ! این در منطق اسلام از بزرگترین گناهان است . (20)

علاوه بر این اندیشه های روشن و صریح که نافی هرگونه دنیاطلبی مذموم و مقام و ریاست پرستی و قدرت گرایی های خلاف شرع و عقل و زائیده نفسانیت فردی و گروهی است ، سیره و روش و عملکردهای حضرت امام خمینی در طول دوران حیات و در حالی که در اوج قدرت و حکومت بود ، هر نوع تمایل به این جاذبه های فریبنده را طرد مینمود ، به گونه ای که به اعتراف همه اصحاب و نزدیکان و تمام کسانی که از دور و نزدیک با این پیشوای محبوب الهی مواجهه و تعامل داشتند ، کوچکترین اثری از وابستگی و دلبستگی نسبت به این جاذبه های ناپایدار در رفتار و کنش او مشاهده نشده است .

6- مردم گرایی اصلی است که در نظام سیاسی و حکومتی اسلام از جایگاه و نقش و اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد و همواره به صورت مراوده و معاشرت با مردم از یکسو ، و تلاش و فعالیت های همه جانبه و وقفه ناپذیر برای رفع مشکلات و تنگناهای معیشتی آنان از سوی دیگر ، و نیز بزرگداشت حضورشان در صحنه های سیاسی ، مورد توجه و نظر و عمل قرار می گیرد .

حضرت امام خمینی اصل مردم گرایی را هم در ابعاد مختلف نظری ، و هم در جلوه های رفتار و عمل خویش به زیباترین وجه متجلی می نمود و به همین دلیل چه در داخل کشور و جامعه و چه در خارج و در میان جوامع اسلامی و غیر اسلامی یک رهبر کاملاً مردمی شناخته شده بود و علاقه و محبت مردم جهان را به سوی خود جلب می نمود .

مردم دوستی ، مردم زیستی ، حمایت از محرومان ، در غم و شادی مردم سهیم و شریک گشتن ، ترویج اخلاق و روش خدمتگزاری به مردم در تشکیلات حکومتی ، از جمله ابعاد و جنبه های روحیه مردم گرایی در حضرت امام خمینی به شمار می رود .

امام خمینی مردم را ولی نعمت خود و زمامداران و دولتمردان می دانست و شایسته اکرام و احترام و خدمتگزاری .

حضرت امام خمینی خطاب به روسای قوای سه گانه و همه مدیران و کارگزاران حکومتی می فرمود : ما باید برای این طبقه کارگر و کارمند که طبقه ضعیف هستند ، طبقه ای هستند که شماها این ها را پایین می دانید و اینها از همه شما بالاتر و بلند مقام تر هستند ، باید دولتها برای اینها کار بکنند . (21)

حضرت امام خمینی خطاب به مجلس و دولت و دست اندرکاران ، ضمن آن که توده های مردم را نور چشمان و اولیای نعم می نامد و نظام جمهوری اسلامی را ره آورد آنان و بقای این نظام را نیز مرهون خدمات مردم می داند ، از آنان می خواهد که در خدمتگزاری به ولی نعمتان خود قصور و کوتاهی نکنند . (22) و نیز به همه رهبران و روحانیون و دولتمردان ، عمل به اصل و قانون ذیل را ضروری و لازم می داند :

همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابرهنه ها بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراوده و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکین و مرفهین ، و در کنار مستمندان و پابرهنه ها بودن و خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن ، افتخار بزرگی است که نصیب اولیا شده و عملا به شبهات و القانات خاتمه می دهد (23)

حضرت امام خمینی در سیره و روش عملی رهبری و زمامداری و حکومت خویش ، همواره خود را هم ردیف و هم سطح مردم قرار می داد و هرگز در هیچ یک از شئون حیات رجحان و برتری برای خویش قائل نمی شد و به صراحت می فرمود : من اگر برای خودم نسبت به سایر انسان ها یک مرتبتی قائل باشم ، این انحطاط فکری است و انحطاط روحی (24)

حضرت امام خمینی از ژرفای دل و در همه جنبه های اندیشه و جلوه های عمل ، خود را خدمتگزار مردم می دانست و اعلام مینمود اگر به من بگویند خدمتگزار ، بهتر از این است که بگویند رهبر . (25) او رهبر خود و همه را آن نوجوان سیزده ساله ای معرفی کرد که بر خویش نارنجک بست و خود را به زیر تانک دشمن افکند .

این پیشوای بزرگ و فانی در حق و خدمتگزار خلق ، در تمام لحظات و مراحل زندگی با مردم زیست و سرانجام نیز با مردم از این جهان خاکی به سرای جاودان و باقی کوچ نمود و حضور سیل آسا و عظیم و شگفتی زای توده های مردم در مراسم تشییع پیکر آن رجل عظیم القدر الهی و ناله و فغان و اشک و سوز و گدازشان نشانگر این حقیقت بزرگ است که حضرت امام خمینی در اعماق وجود مردم و در ژرفای جان و روح آنان حاضر است و اندیشه های جامع و رهایی بخش و رفتار و روش و عملکردهای راهگشا و همه آنچه از او باقی مانده است ، برای همیشه باقی خواهد ماند .

پاورقی ها :

13 - صحیفه نور ، جلد 5 ، ص 29

14 - همان منبع ، جلد 3 ، ص 78

15 - آئین انقلاب اسلامی ، گزیده اندیشه های امام خمینی ، موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی ، ص 294

16 - کلمات قصار امام خمینی ، ص 79

17 - همان منبع ، ص 78

18 - همان منبع ، ص 78

19 - همان منبع ، ص 79

20 - همان منبع ، ص 79

21 - اسلام ناب در کلام و پیام امام خمینی ، موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی ، ص 318

22 - همان مدرک ، ص 319

23 - همان مدرک ، ص 318

24 - کلمات قصار ، پندها و حکمت ها ، ص 80

حضرت امام خمینی مسئولیت حمایت عملی از محرومان و تلاش و فعالیتهای مستمر برای رفع ظلم و ستم اقتصادی و استقرار عدالت اقتصادی در میان اقشار مردم جامعه را با توجه به روش زمامداری حضرت علی (ع) (به عصر حاضر تعمیم می داد و به این سخن عمیق و صریح امیرالمومنین (ع) استناد می جست که فرمود :
خدای تبارک و تعالی از علما تعهد گرفته و آنان را موظف کرده که بر پرخوری و بهره مندی ظالمانه ستمگران و گرسنگی جانکاه ستمدیدگان سکوت ننمایند.

مردم گرایی اصلی است که در نظام سیاسی و حکومتی اسلام از جایگاه و نقش و اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد و همواره به صورت مراوده و معاشرت با مردم از یکسو ، و تلاش و فعالیت های همه جانبه و وقفه ناپذیر برای رفع مشکلات و تنگناهای معیشتی آنان از سوی دیگر ، و نیز بزرگداشت حضورشان در صحنه های سیاسی ، مورد توجه و نظر و عمل قرار می گیرد

حضرت امام خمینی هرگونه گرایشات مبتنی بر قدرت طلبی را که بهره وری نامشروع و ضدانسانی از اهرم ها و امکانات برای رسیدن به مطامع نفسانی است ، نفی می نمود و جنگ قدرت را عملی شنیع و منحط و تباه می دانست و به صراحت می فرمود : قدرت طلبی از هر که باشد ، از شیطان است